

موضوع: خطر کوچک شمردن گناه

تاریخ پخش: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت برادران و خواهران عزیز هستیم.

دخترخانم‌ها و آقا پسرها، یک حدیثی از امام

حسن عسکری (ع) باز کنیم و تفسیر کنیم.



حضرت فرمود که کوچک شمردن گناهان خطرناک است. بعضی می‌گویند: گناه ما چیزی نیست. مثلاً یک حرفی می‌زند، می‌گویند: این حرف درست نیست. می‌گویند: شوخی کردم. حالا شوخی کردی یا جدی کردی، این حرف درست نبود. آقا من یک میخ طلائی بردارم در چشم کسی بزنم و کور شود. می‌گویند: کورم کردی. می‌گویم: طلا بود. حالا یا طلا بود یا میخ بود. من کور شدم. یا شوخی یا جدی نمی‌شود گفت: شوخی کردم.

## ۱- مقایسه گناهان بزرگ و گناهان کوچک

مثلاً دخترخانمی حجابش خوب نیست، شرعی نیست. می‌گوییم: دخترخانم تو حجاب داری، یک کمی بهتر کن. می‌گویند: اینکه چیزی نیست. این خیلی مهم است، آدم می‌گوید: چیزی نیست این خیلی مهم است. یکوقت من یک سنگ یک کیلویی از دستم پرت می‌شود و روی پای شما می‌خورد. می‌گوییم: معذرت می‌خواهم، ببخشید. با اینکه یک کیلو سنگ به پای شما خورد، اگر بگویم ببخشید، شما می‌بخشید. اما اگر یک شن از این شن‌هایی که به نان سنگک چسبیده به سر شما بزنم، برو بابا اینکه چیزی نیست! این را شما نمی‌بخشی. یک کیلو را می‌بخشی اما ده مثقال را نمی‌بخشی. چرا؟ برای اینکه می‌گویی: یک کیلو را عذرخواهی کرد ولی آن دو مثقال را گفت این چیزی نیست. اگر کسی گناه بکند و بگوید: اینکه چیزی نیست، این خیلی مهم است. پسر سیزده ساله، چهارده ساله است و به تکلیف رسیده است. می‌آید خانه دخترخاله‌ها و دخترعمه‌ها می‌گویند: برو بابا، ما تا دیروز با این توپ بازی می‌کردیم. حالا مرد شده و یا الله یا الله می‌گویند، برو دنبال کارت! این را خدا نمی‌بخشد، چرا؟ برای اینکه هم به نامحرم نگاه می‌کند و هم می‌گوید: چیزی نیست.

شما از من طلب داری، چقدر؟ چند میلیون فرض کنید از من طلب دارید، می‌گویم: آقا ندارم بدهم معذرت می‌خواهم، صبر کن به شما می‌دهم. این را مردم تحمل می‌کنند اما اگر یک مبلغ کمی از من

طلب دارید، می‌گویید: آقای قرائتی شما دو هزار تومانی به ما بدهکار هستی. برو بابا این که چیزی نیست! شما می‌بخشی؟ بگویید... نه. اینکه آدم بگوید: چیزی نیست. پایش را روی پا می‌گذارد و می‌گوید: چیزی نیست. غذا پخته، شور شده، سوخته کوتاهی کرده خانم یا آقا، هر کس، اگر بگوید: معذرت می‌خواهم، بالاخره شور شد. به قول یک نفر می‌گفت: هر نانوايي گاهي چانه‌اش در آتش می‌افتد. بالاخره یکبار هم غذا بد شد، معذرت می‌خواهیم طوری نیست. حالا یک شب غذا شور بخور، چه می‌شود. اینکه انسان گناه بکند و بگوید: این چیزی نیست، این خیلی بد است. امام عسکری که تولدش بحث را گوش می‌دهید فرمود: گناه را کوچک نشمارید. نگویید: این که چیزی نیست، یک خرده تیغ است. بله همین تیغ اگر در پای یک پهلوان برود نمی‌تواند راه برود. اینکه چیزی نیست، بله، سوزن هم چیزی نیست، اما به جای اینکه بخورد در گوشت و در رگ بزنی، چیزی است.

عمامه من اینجاست، اگر عمامه‌ام را دو سانت جلوتر بگذارم، چنین کنم... تلویزیون مرا بیرون می‌کند و دادگاه ویژه روحانیت هم مرا می‌گیرد. نگو این چیزی نیست. هیچوقت نگویید اینکه چیزی نیست. ما با هم خواهر و برادر هستیم. محرم محرم است نامحرم، نامحرم است. ما با هم بزرگ شدیم، خوب با هم بزرگ شدید ولی الآن ایشان به تکلیف رسیده، شما باید یا الله بگویید و داخل بروید. یا الله گفتم کسی گوش نداد، خوب در خانه نرو. اینکه آدم بگوید: اینکه چیزی نیست، خیلی مهم است. من در مورد کوچک شمردن گناه یک بحثی دارم. اول این را بگویم که یکسری از چیزها گناه را بزرگ می‌کند. ۱- گناه اگر می‌کنید علنی گناه نکنید. گناه، گناه است ولی علنی، خیلی مهم است.

## ۲- خطر علنی کردن گناه در جامعه

قرآن می‌گوید: «فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرُ» (عنکبوت/۲۹) قوم لوط در خیابان، در کوچه، در جلسات علنی منکر انجام می‌دادند. گاهی آدم گناه نمی‌کند ولی راضی به گناه است. یک کسی گناه می‌کند و شما هم می‌خندی. داریم روز قیامت یک قطره خون پیش سینه انسان می‌چکد. این چیست؟ می‌گوید: یک نفر را کشتند و تو هم یک لبخند زدی. به یک نفر سیلی زدند و تو هم راضی بودی. ما در زیارت عاشورا داریم خدا لعنت کند «من سمعت بذلک فرضیت به» یک عده کربلا رفتند و یک عده هم کربلا نرفتند اما به کار یزید راضی بودند. آن کسی که راضی به کار یزید هست، شریک است. من در تلویزیون حدیثی می‌خوانم، شما پای تلویزیون می‌گویید: الحمدلله این حدیث، حدیث خوبی بود. همین که راضی هستی به اینکه این حدیث را خواندم، شما هم در اجر من شریک هستی. حتی اگر من برای خدا نباشد و مخلص نباشم. اگر نیتم خدا نباشد، ولی شما خیال می‌کنی من اخلاص دارم و به کار من راضی هستی. همین که راضی هستی در کار من شریک هستی. من بعضی شب‌ها که می‌خواهم، می‌گویم: خدایا من

نمی‌دانم چه کسی کجا کار خیر کرده است، هرکس روی کره زمین امروز کار خیر کرده که تو راضی بودی برای کار خیر او الحمدلله رب العالمین، یک الحمدلله بگو و در همه کارها شریک هستی. راضی باشیم به کار خیر دیگران. اگر کسی راضی باشد به گناه در گناه شریک است.

اگر کسی، کسی را به گناه راهنمایی کند، مثلاً آن طرف خیابان یک گناهی است، می‌گوید: احمد آقا ببین آن طرف خیابان، این هم وادار می‌کند که این نگاه کند. این آقایی که دلالی کرد و به او گفت: تو هم ببین، یک فیلمی را می‌بیند و گناه است و این فیلم را به رفیقش هم می‌دهد. آنوقت آن رفیقش هم شریک است، آنوقت اگر آن فیلم آثاری روی نسل این گذاشت، تا نسل در نسل شریک هستند. قرآن بخوانم، «نَكْتَبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَارَهُمْ» (یس/۱۲) آیه قرآن بود که خواندم. یعنی ما گناه را که می‌نویسیم، آثارش را هم می‌نویسیم. آثار گناه هم می‌نویسیم. یک مثلی دارم بزنم، بچه‌ها در کوچه بازی می‌کنند توپ در خانه همسایه می‌افتد. بچه‌ها می‌گویند: حاج آقا ببخشید ما بازی می‌کردیم توپ ما در خانه شما افتاد، بی زحمت توپ را بدهید. این بچه می‌گوید: چیزی نیست. یک توپ انداختیم می‌رویم پس می‌گیریم. صاحبخانه می‌گوید: آقا زاده فهمیدی چه کردی؟ توپت در شیشه خورد، شیشه‌ی اتاق ما شکست، در اتاق بچه من خواب بود. شیشه در صورتش خورد و صورتش چاک برداشت و بریده شد و بردم عمل کردم و چند تا بخیه خورده است. این دختر بزرگ هم شود جای بخیه‌ها در صورتش هست و ممکن است در ازدواج ایشان اثر بگذارد. تو فکر می‌کنی توپت افتاد ساده است، توپ به شیشه خورد و شیشه به دختر بچه خورد که خواب بود، صورتش بخیه خورد و الآن جای بخیه‌ها در صورتش هست. یعنی این توپ شما در نسل من اثر گذاشت. نمی‌شود گفت، تشویق هم همینطور است.

### ۳- نقش تشویق در گسترش گناهان

به یک نفر گفتند: چقدر خوب سخنرانی می‌کنی. گفت: من اولین سخنرانی که می‌کردم می‌لرزیدم، چون بار اول بود و خیس عرق بودم. از پایین منبر یک کسی گفت: احسنت، یک احسنتی به من گفت من خاترم جمع شد که حرف‌هایم خوب است. آن احسنت سرنوشت مرا عوض کرد. برعکسش یک احسنت به گنهکار بگوییم، یک کسی دزدی می‌کرد، زندان، دزدی، زندان آخر گفتند: این دیگر شغلش دزدی است. بعد از چند مرحله تنبیه بنا شد اعدامش کنند. لحظه اعدام دزد گفت: مادرم را بیاورید من با او خداحافظی کنم. دقیقه آخر است، مادر را آوردند، گفت: مادر می‌خواهند مرا اعدام کنند. زبانت را بیاور در دهان من بگذار. مادر گفت: باشد. زبانش را درآورد در دهان پسرش گذاشت. پسر چنان گاز گرفت، زبان مادرش را گاز گرفت. گفت: چرا چنین کردی؟ گفت: بچه بودم تخم مرغ دزدیدم، آدمم به تو دادم گفתי: بارک الله! اگر آن روز بارک الله نمی‌گفتی من دزد حرفه‌ای نمی‌شدم. لذا مهم‌ترین کارها

معلم کلاس اول بودن است. چون این معلم کلاس اول هرچه یاد داد دیگر آدم بعدش هرچه یاد می‌گیرد از همان الفبایی است که کلاس اول خوانده است. گاهی وقت‌ها «نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَارَهُمْ» آثار کار خیر.

مسأله‌ی وقف، یک قطعه زمین را شما وقف می‌کنی، یکوقت می‌بینی چند قرن گذشته و باز هم مردم از این موقوفات غذا می‌دهند، عزاداری می‌کنند، سخنرانی می‌کنند، دختر جهازیه می‌دهند. از موقوفات خیلی کار می‌کنند. یک صلواتی بفرستید. (صلوات حضار)

#### ۴- وظیفه ما در برابر گنهکار

کمک به گناه، پس ۱- خود گناه، گناه است. ۲- رضایت بر گناه، گناه است. کمک گناه هم گناه است. قرآن می‌گوید: «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده/۲) یک کسی گناه می‌کند کمکش نکنید. شما به من می‌گویید: عصایت را بده. می‌دانم می‌خواهی با عصا بر سر مردم بزنی، اگر عصا را به شما دادم و شما با عصای من زدی، من هم در کتک زدن شما شریک هستم، چون عصا را دست شما دادم. کمک در... تشویق گنهکار.

در روایت داریم می‌گوید: «وَجُوهٌ» وجه یعنی صورت، «مُكْفَهَرَةٌ» یعنی عبوس، شما اگر دیدی یک کسی گناه می‌کند، اگر قدرت داری با قدرت جلویش را بگیر. اگر قدرت نداری با زبان بگویی: این کار را نکن. اگر نه قدرت داری و نه رویت می‌شود با زبان بگویی، لا اقل عبوس کن، «وَجُوهٌ» صورت‌های «مُكْفَهَرَةٌ» یعنی... نسبت به گناه باید عکس العمل نشان بدهید.

آدم‌های مشهور گناهشان دو برابر است. آقای قرائتی اگر سیگار بکشد گناهش دو برابر کت شلواری‌هاست چون آخوند هستیم. اگر در تلویزیون سیگار بکشیم، گناهش چند برابر می‌شود چون علنی سیگار کشیدیم را نشان دادم. افراد سرشناس، از کجا می‌گویی؟ قرآن، قرآن می‌گوید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ» ای خانم‌های پیغمبر شما سرشناس هستید و همسر پیغمبر هستید. «مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ» (احزاب/۳۰) شما اگر خلاف کنید، «يُضَاعَفُ» مضاعف می‌شود. زن پیغمبر خلاف کند دوبره است. شما زن پیغمبر هستید. گناه، گناه است و گناه در مسجد بیشتر است. گناه، گناه است ولی گناه روحانی بیشتر است.

گناهان کلیدی، بعضی گناهان کلید یک گناه دیگر می‌شود. لقمه حرام گناه است منتهی این لقمه حرام شما را وادار می‌کند که خلافکار هم بشوید. یکی از چیزهایی که دنیا خوابش برده است یعنی تمام کشورهای دنیا خوابش برده است، در مسائل تعلیم و تربیت، روانشناسی را می‌گویند، جامعه‌شناسی را می‌گویند، استاد و معلم را می‌گویند، پدر و مادر را می‌گویند، همه چیز را می‌گویند. اما چیزی که کل

کره زمین این را واریسی کردم، از یکی از آقایانی که در شورای عالی انقلاب فرهنگی بود و دو تا دکترا داشت. پرسیدم که آیا دنیا در تعلیم و تربیت در مورد لقمه حرام حرف دارد؟ گفت نه. اصلاً همه کره زمین با هم کشورها خوابشان برده است. ولی اسلام می‌گوید: لقمه حرام انسان را به گناه وادار می‌کند. امام حسین روز عاشورا فرمود: اینکه می‌خواهید مرا بکشید چون شکم شما از حرام پر شده است. لقمه‌ی حرام «مال الحرام یَبینُ فی الذَّرِیَّه» لقمه حرام در نسل شما هم اثر دارد. گناه کلیدی است. گناه کلیدی یعنی چه؟

می‌گویند: یک روز شیطان با یک حرامزاده‌ای گفتند که کدام یک توفیق بیشتری در تولید گناه داریم؟ گفتند: یک روز امتحان کنیم. شیطان یک سمت رفت گناه کند، غروب برگردد خبر بدهد. این حرامزاده هم یک طرف رفت. غروب آمدند و گفتند: چه کردی؟ حرامزاده گفت: من امروز ۷۳ تا گناه ایجاد کردم. چند تا دروغ و فحش و کتک کاری و من ۷۳ خلاف تولید کردم. این آمار حرامزاده، شیطان آمد گفت: من امروز هیچ کاری نتوانستم بکنم فقط یک زن و مرد زنا کردند. گفت: خاک بر سرت کند تو شیطان هستی یک گناه تولید کردی؟ من ۷۳ گناه تولید کردم. گفت: نه، من یک زنا تولید کردم آن زنا یک بچه مثل تو می‌شود، زنا زاده و او خودش روزی ۷۳ گناه می‌کند. یعنی گناه کلیدی، گناه مادر.

## ۵- خطر گناه مسؤلان جامعه

گاهی وقت‌ها یک گناه است. پلیس خلاف می‌کند، این آقا رانندگی بلد نیست پارتی بازی می‌کند و گواهینامه به او می‌دهد، فکر می‌کند یک گناه کرد، التماس کرد و گریه کرد و ما هم یک گواهینامه به او دادیم. فردا این گواهینامه را می‌گیرد و می‌رود مسافر سوار می‌کند و کل مسافرها را در دره می‌اندازد. آن آقای پلیس شریک در تمام این کسانی است که کشته است چرا؟ برای اینکه تو به ناحق گواهینامه دادی. پزشک مرض را تشخیص نمی‌دهد و همینطور یک نسخه الکی می‌دهد و بعد می‌گوید: شما دو روز دیگر بیا ببینم زنده هستی یا مرده؟ با جون من بازی می‌کند، یکسری از گناه‌ها کلید است. می‌گویند: یکوقت یک پادشاهی یک کسی را خواست و گفت: سه تا کار هست یکی را قبول کن. ۱- بیا معلم بچه‌های من باش. معلم خصوصی، ۲- قاضی القضاات باش. رئیس قوه قضائیه باش. ۳- اگر معلم بچه‌های من نمی‌شوی و قوه قضائیه را هم قبول نمی‌کنی لااقل یک ناهار با ما بخور. فکر کردیم ناهار کاری ندارد، یک ناهار می‌خوریم. بهتر از این است که قاضی حکومت ظلم شویم یا معلم بچه‌های شاه شویم. گفت: ناهار را می‌خوریم. ناهار که خورد دید خیلی خوشمزه است. خانه شاه بود، گفت: اگر اجازه می‌دهید آن دو شغل را هم قبول می‌کنم. هم قاضی می‌شوم و هم معلم بچه‌هایت می‌شوم. یعنی این لقمه او را منحرف کرد. گاهی یک مهمانی، حالا بیا این فیلم را

بین. یکوقت می بینی یک فیلمی نشان شما می دهند که این فیلم شما را می برد، اوه... از کجاها که سر درنیاورد. ناخواسته یک غذا می خورد و بعد... خیلی خطرناک شده دینداری، اختیار دست شما نیست. پدر و مادر آن طرف اتاق نماز شب می خوانند، این بچه هم اینطور می کند و زیر لحاف چنین چیزی می بیند. اختیار دست کسی نیست. اگر مواظب نباشیم، از قدیم به ما گفتند: بواب باش. بواب از باب است و باب یعنی در، یعنی دروازه‌ی گوشت را بگیر، یعنی نگذار هرکس هرچه می خواهد به تو بگوید. دروازه‌ی چشمت را ببین، گوش ما به گردن ما حق دارد. چشم ما حق دارد. خدا چشم و گوش داده برای اینکه حق برویم، چشم و گوش نداده که هرزگی کنیم. گناه، گناه است. گناه آشکارا بیشتر می شود، رضایت بر گناه بیشتر می شود، کمک در گناه بیشتر می شود، تشویق گنهکار بیشتر می شود. گناه افراد سرشناس بیشتر است. گناهان کلیدی بیشتر است. توجیه گناه هم یک گناه است. یک کسی گناه می کند گناهش را توجیه می کند.

#### ۶- توجیه گناه، بدتر از ارتکاب گناه

قرآن یک قصه‌ای نقل می کند و می گوید: به یهودی‌ها گفتیم: شنبه ماهی نگیرید. مثل اینکه ما جمعه تعطیل هستیم، یهودی‌ها شنبه تعطیل هستند. ماهی‌ها هم امتحان الهی بود، یک شعوری خدا به اینها داده بود. روز شنبه که یهودی‌ها حق ماهی گرفتن نداشتند، ماهی‌ها می آمدند خودشان را نشان می دادند. می دادند. روی آب می آمدند و خودشان را نشان می دادند. «إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيَتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ» (اعراف/۱۶۳) سبت یعنی شنبه، روز شنبه «تَأْتِيهِمْ حِيَتَانُهُمْ» ماهی‌ها می آمدند خودشان را نشان می دادند، روزی هم که «لَا يَسْبِتُونَ» شنبه نبود، نمی آمدند. این یهودی‌ها می دیدند شنبه است، چقدر ماهی، به به! نتوانستند دل بکنند. آمدند کنار رودخانه یک حوض‌هایی درست کردند و این حوض را به دریا سوراخ کردند. این ماهی از این سوراخ در حوض می آمد، تا در حوض می آمد در سوراخ را می گرفت که دوباره به دریا برنگردد. این ماهی را تله می گذاشت. روز شنبه می گفتند، یکشنبه می گرفتند. گفتند: ما شنبه ماهی نگرفتیم. به یک کسی گفتند: آب در شیر نکن. این برای اینکه بگوید: من در شیر آب نکردم، یک خرده آب برمی داشت و شیر را در آب می ریخت و می گفت: من آب در شیر نکردم. خدا می داند آب در شیر نکردم. بله آب در شیر نکردی ولی... این توجیه گناه است.

انسان گناه بکند و بگوید: شوخی بود. رودروایی بود. حالا نشسته بودند تریاک می کشیدند و به ما هم گفتند، ما هم یک دقیقه کنارشان نشستیم. حتی اگر شما قمار نکنی ولی بنشیننی سفره قمار را تماشا کنی، نگاه شما به قمار هم گناه است. ولو خودت گناه نکنی. سر سفره‌ای شراب نمی خوری اما اگر در آن سفره کسی دیگر هم شراب بخورد، شما در آن جلسه نشسته‌ای، نشستن در جلسه هم... قرآن یک

آیه دارد می گوید: «إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَ يُسْتَهْزَأُ» (نساء/۱۴۰) اگر در یک جلسه نشستید، دارند مردان خدا را، آیات الهی را مسخره می کنند، حق نداری بنشیننی و باید بلند شوی بروی. یا جلوییش را بگیر یا اگر حرفی است بلند شو برو. ما حق نداریم هر چیزی را گوش بدهیم. «مَنْ أَصَغَى» أصغى با الف و صاد، أصغى می نویسند و رویش الف می گذارند مثل موسی، موسی می نویسند. «مَنْ أَصَغَى إِلَى نَاطِقٍ» هر کس گوش به حرف نطقی بدهد، بنده اوست. الآن شما پای تلویزیون حرف های مرا گوش می دهید بنده من هستی، اگر من حق بگویم بنده حق هستی. اگر باطل بگویم بنده باطل هستی. نمی توانیم هر حرفی را گوش بدهیم. گوش ما امانت است. خلاف گوش بدهید خیانت به امانت است. چشم ما امانت است. اگر چیزی ببینیم که خدا راضی نباشد، خیانت به این امانت کرده ایم. اگر شما به من گفתי: آقای قرآنی ماشینت را به من بده من یک بیمار دارم، می خواهم او را بیمارستان ببرم، ماشین را گفتم بگیر ببرید. شما ماشین را بردی مسافرکشی کردی، خیانت کردی. شما ماشین را برای بیماری گرفتی نه برای مسافرکشی، چشم ما برای گناه نیست، گوش ما برای گناه نیست. اگر لغزشی پیدا شد عذرخواهی کنیم. ولی تصمیم بگیریم نشود.

گاهی آدم فکر می کند اگر با این رفیق شود، عاقبتش گناه است. از اول رفیق می شویم. چون می دانی که این راهی که این می رود، این فکری که می کند و حرف هایی که می زند در روح تو اثر دارد. اسم نمی برم چون همه شما می شناسید. دو تا از دانه درشت ها، یکوقتی یکجایی مهمانی بودند. یکی از آنها شهید شد. از بزرگان بود. در آن جلسه که مهمانی بود، گفتگوهایی بود و خنده هم بود. منتهی خنده «فَتَبَسَّ ضَاحِكًا» (نمل/۶۹) وقتی می خواهید بخندید، ضاحکاً، «تَبَسَّ ضَاحِكًا» خنده شما قهقهه نباشد. در آن جلسه یک خنده های تند و زیادی شد. این عزیزی که شهید شد از علمای درجه یک ایران بود، می گفت وقتی بیرون آمدیم، گفتم: با این جلسه ای که امشب ما رفتیم، نماز شب خوان نیستیم. توفیق نماز شب گرفته می شود. اینها روی انسان اثر می گذارد.

## ۷- ثبت و ضبط گناهان در پرونده اعمال

امام عسکری تولدش است، فرمود: گناه را کوچک نشمارید. تمام کارهای ما ثبت می شود. «إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ» (یونس/۲۱) عربی هایی که می خوانم قرآن است. فرستادگان ما ریز کارهای شما را می نویسند. قرآن می گوید: روز قیامت یک لوحی مقابل انسان باز می شود می گویند: «أَقْرَأَ كِتَابَكَ» (اسراء/۱۴) نامه خودت را بخوان، «كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا» بخوان و خودت قاضی باش و خودت بگو جرم تو چیست؟ ما چیزی نمی گوئیم، خودت پرونده ات را بخوان و بگو جرمت چیست؟ نگاه می کند به این لوح و می گوید: این چه لوحی است؟ عربی هایی که می خوانم قرآن است، «لَا يُعَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا

أحصاها» (کهف/۴۹) ریز و درشت را این نوشته است. این چه کتابی است، ریز و درشت را نوشته است. «وَأَذًا الصُّحُفُ نُشِرَتْ» (تکویر/۱۰) یک آیه دیگر، روز قیامت پرونده‌ها باز می‌شود. «كُلُّ أُمَّهٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا» هر امتی به کتابش دعوت می‌شود. گاهی آدم فکر می‌کند گناه نکرده است.

یک روز پیغمبر اسلام از جنگ برمی‌گشت، در بیابانی که کویر بود، گیاهی نبود. پیغمبر فرمود: بروید هر کدام مقداری هیزم بیاورید. گفتند: اینجا کویر است، هیزم نیست. گفت: بروید دقت کنید، کم هم هست بیاورید. چون دستور پیغمبر بود اصحاب در بیابان پخش شدند و هر کدام مقداری چوب کوچک پیدا کردند و آوردند و ریختند روی هم و چند کیلو شد. حضرت فرمود: «هكذا تجتمع الذنوب» ببینید گناه هم همینطور است. اول می‌گوییم: گناه، می‌گوید: من چه گناهی کردم. غیبت فلانی را که شنیدی، فلانی را مسخره کردند تو نگاه کردی، نهی نکردی، ساکت شدی و بی تفاوت بودی، پیغمبر فرمود: گناه هم این رقمی... این حدیث برای هنرمندان خوب است، پیغمبر کارهای نمایشی، هنری و تجسمی، برای اینهایی که پول ندارند خوب است. گاهی می‌گویند: پول نیست. اگر هنر باشد، پول هم نباشد آدم کار می‌کند. پیغمبر آنجا پول نداشت. در بیابان بود، کویر بود، هیزم هم نبود، اما می‌خواست یک کلاس تربیتی بگذارد. بگوید: همینطور که شما گفتید چوب نیست، گشتید و پیدا کردید، گناه هم نکردیم اما بگردید هر کدام گناهای کردید. گناهانتان را روی هم بگذارید می‌بینید خیلی گناه شد. ایام فراغت را چطور پر کنیم؟ اردو، نهار. پس پیغمبر بدون تأمین اعتبار...

یک کسی نزد من آمد و گفت: فلان کار را کردم یک تشویقی به ما بدهید، جایزه بدهید. من گفتم: جایزه می‌خواهید؟ گفتم: جایزه پیغمبری به شما بدهم، خوب است؟ گفت: خیلی خوب است. دستش را بوسیدم، گفتم: پیغمبر دست کارگر را بوسید. هم کارگر تشویق شد و هم تأمین اعتبار نمی‌خواهد. دخترخانم کوچکی آمد، کل قرآن را حفظ بود کلاس چهارم ابتدایی، البته من سفارش نمی‌کنم برای اینکه مگر تیزهوش، اگر کسی تیزهوش است حفظ قرآن نعمت بزرگی است اما اگر آدم معمولی است و با زحمت خواسته باش قرآن را حفظ کند، بعد هم یادش می‌رود و این خاطره تلخی از قرآن می‌ماند. برای افراد تیزهوش نعمت است. گفت: جایزه بده، گفتم: دستش را می‌بوسم. برای اینکه پیغمبر دست کارگر را بوسید. هم تشویقش کرد و هم نیاز به تأمین اعتبار نبود. کارهای تجسمی، نمایشی، عملی، پر کردن ایام فراغت.

امام عسکری فرمود: گناه مهم است و آن چیزی که از گناه مهمتر است این است که بلند بگویید... بلندتر... بلندتر... چیزی نیست. آدم بگوید: این گناه چیزی نیست. حالا دو مثقال یک خرده کم و زیاد است. مردم میلیاردی می‌دزدند. نمی‌بینی تلویزیون هرشب نشان می‌دهد. اختلاس‌های میلیاردی



می‌شود، سر این دو فلس گدا بازی درنیاور. گاهی میلیاردری را توبه می‌کند و مال را پس می‌دهد و خدا او را می‌بخشد ولی شما که می‌گویید: حالا که خوردیم، خوردیم. گاهی می‌گوییم از کجا آورده است؟ آدم گناه بکند و بگوید: این گناه چیزی نیست. یکی از گناهانی که می‌کنیم اتلاف وقت است. خسته شدید، ورزش کنید. وقتتان را... یک هنری یاد بگیرید. دخترخانم‌های دبیرستانی و راهنمایی یک هنری یاد بگیرید. حتماً هنری بلد باشید، خیلی از خانم‌ها و دخترهای ما مادرشان هنر دارد، حالا خیاطی است، بافندگی است، آشپزی است، هنر مادرت را یاد بگیر. آقازاده‌ها در دبیرستان یک هنری یاد بگیرید. الآن حدوداً سه میلیون لیسانس بیکار داریم. شغل هم نیست، شغل نیست نیست... ما الآن در نهضت سوادآموزی فوق لیسانس می‌آیند می‌گوییم: جا نداریم. دیگر بی سوادى نمانده که ما نهضت را ادامه بدهیم. شغل نیست. اگر فکر می‌کنید دیپلم و لیسانس بگیرید به شغل خواهی رسید، شغل نیست.

### ۸ - بزرگ‌ترین گناه، تلف کردن عمر و جوانی

کنار درستان شب‌های زمستانی، البته خسته نشوید. معتقد به ورزش هستم ولی با تماشای ورزش مخالف هستم که من پای تلویزیون بنشینم، اسپانیا به ایتالیا گل می‌زند، خوب من چه خاکی بر سرم کنم؟ برای من چیه؟ هیچی. مثل اینکه آدم صندلی بگذارد و پول‌های بانک را ببیند. پول پول پول، به تو هم می‌دهند؟ نه. اگر می‌بینی کسی دارد پول‌های مردم را می‌بیند، تماشای پول که ارزش نیست. پول خوب است، بلند شو پیدا کن، اما اینکه من بنشینم پول مردم را ببینم، من بنشینم ورزش ببینم، خودتان ورزش بکنید. یک هنری یاد بگیرید. پنج و نیم شب‌های زمستانی غروب می‌شود و ده و نیم میانگین می‌خوابند. شب‌ها پنج ساعت است، شبی نیم ساعت مطالعه کنید. چهار ساعت و نیم شود، به هر حال یکی از گناهانی که ما انجام می‌دهیم و فکر می‌کنیم گناه نیست همین تلف کردن عمر است. درس‌های بی‌خاصیت است. اینقدر در آموزش و پرورش و دانشگاه بحث‌های دانشجویهای ما، نسل ما چیزهایی می‌خواند که هیچ خاصیتی ندارد. بخوانیم جایی آباد نمی‌شود. نخوانیم جایی خراب نمی‌شود. باید همه درسهایی که می‌خوانیم از استاد پرسیم آقا خلاصه درس چه فایده‌ای برای جامعه دارد؟ یک برادر داشتیم خدا رحمتش کند مرحوم شد. کاشان بود، یک کسی به برادر من رسید از من شروع به تعریف کردن کرد. این آقای قرائتی در تلویزیون است، چنین است، چنین است و هی گفت و گفت، برادرم همینطور نگاهش کرد. گفت: تمام شد؟ گفت: بله. گفت: خوبی‌های داداش من برای تو، یک بستنی بده بخوریم. یعنی چه؟ یعنی این خوبی‌ها شکمی را سیر نمی‌کند. یک هنری یاد بگیرید. آشپزی هنر است. من دیپلم هستم، دیپلم باش. به امام باقر گفتند: ننه آشپز! گفت: الحمدلله آشپزی هنر است و من افتخار میکنم. به امام باقر گفتند: زشت است بیل دست بگیر. گفت: از من بهترها، امیرالمؤمنین بیل دست گرفت، پیغمبر بیل دست گرفت، چی زشت است؟ اشکال ما این است که دیپلم و لیسانس

ما می‌گویید: کار بد است. کار زشت است. عارمان می‌شود. اصلاً من فوق لیسانس گرفتم که نجار و مکانیک نشوم. اصلاً این فکر را کنار بگذارید.

خیلی از دیپلمه‌های ما بلد نیستند قرآن بخوانند. خواهرش قرآن بلد است، دخترخاله‌اش قرآن بلد است. دختردایی‌اش قرآن بلد است، این خانمی که قرآن بلد است شبی یک ربع پهلوی هم بنشینید و یک صفحه قرآن را با هم بخوانید. چقدر تحصیل کرده داریم که نمی‌تواند قرآن بخواند و همین تحصیل کرده یک پسرعمو و پسردهایی دارد و می‌تواند قرآن بخواند و خانه‌شان هم نزدیک است. اجمالاً از گناهانی که آدم نمی‌فهمد گناه است این است که عمرش تلف می‌شود و هیچ مهارتی هم یاد نگرفته، اگر هم بگویید: گنه‌کار می‌گوید: چه گناهی کردم؟ مگر آدم کشته‌م و از دیوار خانه کسی بالا رفتم؟ یعنی گناه را آدم کشتن می‌داند. این جوانی دارد هرز می‌رود، هرز رفتن جوانی را گناه نمی‌داند ولی از گناهان مهم است. خدایا تو می‌دانی چقدر عمر تلف کردیم، آب تلف کردیم، خاک تلف کردیم، کتاب تلف کردیم، دارو تلف کردیم، لباس تلف کردیم. در کدام خانه هست که یک ساک لباس زیادی نباشد؟ میلیون‌ها آدم سرما می‌خورد و میلیون‌ها آدم لباس اضافی در خانه‌اش هست. میلیون‌ها لباس عروس در کمدها آویزان است. میلیون‌ها جوان برای خرید لباس عروس عزا گرفته است. ما خوب استفاده نکردیم و از گناهان ناپیدا غافل هستیم. «والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ»

### «سؤالات مسابقه»

۱- چه امری، زمینه عفو و مغفرت الهی را فراهم می‌کند؟

۱ (کوچک‌شمردن گناه)

۲ (بزرگ‌شمردن گناه)

۳ (توجیه گناه)

۲- آیه ۲۹ سوره عنکبوت، از چه امری مذمت می‌کند؟

۱ (گناه علنی)

۲ (گناه مخفی)

۳ (گناه شریکی)

۳- بر اساس قرآن، چه چیزی در پرونده اعمال انسان ثبت می‌شود؟

۱) ارتکاب گناه

۲) آثار گناه

۳) هر دو مورد

۴- آیه ۲ سوره مائده، از چه امری نهی می‌کند؟

۱) رضایت به گناه

۲) مشارکت در گناه

۳) تکرار گناه

۵- بر اساس آیه ۳۰ سوره احزاب، گناه چه کسانی بیش‌تر محاسبه می‌شود؟

۱) گناه مسئولان

۲) گناه جاهلان

۳) گناه جوانان

🌸 کانالهای درسهایی از قرآن :

ایتا <https://eitaa.com/tarheonsebaquran>

شاد <https://shad.ir/moravejan>

سروش <https://splus.ir/tarheonsebaquran>

بله [Tarheonsebaquran@](mailto:Tarheonsebaquran@)

🌸🌸 دانش آموزان عزیز برای شرکت در مسابقه به مجری محترم مسابقه مدرسه مراجعه کنند

🌸 برای شرکت در مسابقه پیامکی پاسخ سؤالات رابه صورت عدد ۵ رقمی به عدد ۳۰۰۰۱۱۴ پیامک کنید.

موسسه ترویج فرهنگ قرآنی